



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: نوزدهم
موضوع جزئی: فرع اول (راه‌های ثبوت اجتهاد و علمیت)
سال دوم
تاریخ: ۲ خرداد ۱۳۹۱
مصادف با: ۳۰ جمادی الثانی ۱۴۳۳
جلسه: ۱۱۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث درباره طرق ثبوت اجتهاد و علمیت بود؛ عرض کردیم از مجموع کلمات بزرگان چند طریق برای ثبوت اجتهاد و علمیت استفاده می‌شود.

طریق اول علم و طریق دوم اطمینان بود. نتیجه بحث این شد که نه ذکر اختصار که در عبارت تحریر آمده لازم است و نه ذکر شیاع چرا که اختصار و شیاع اگر مفید علم باشند در طریق اول قرار می‌گیرند و اگر مفید اطمینان باشند در طریق دوم قرار می‌گیرند و این دو از مصادیق علم و اطمینان هستند لذا نه ذکر اختصار لازم است و نه ذکر شیاع. در بین این دو راه هم اگر ما اطمینان را برای ثبوت اجتهاد و علمیت کافی دانستیم دیگر نیازی به ذکر علم و یقین نیست. لذا ذکر اختصار و شیاع در کلام امام(ع) و مرحوم سید محل اشکال است.

طریق سوم: خبر ثقه

خبر ثقه به عنوان یک راه برای ثبوت اجتهاد و علمیت نه در کلام مرحوم سید در عروة آمده و نه در کلام امام(ره) در مسئله نوزدهم تحریر، اما بعضی از بزرگان از جمله مرحوم آقای خوئی قائل به کفایت خبر ثقه برای اثبات علمیت و اجتهاد شده‌اند. مرحوم آقای حکیم هم در مستمسک فرموده‌اند: «ربما یقال بشبوته بخبر الثقة»^۱ ایشان البته استدلال بر این مدعا را ذکر می‌کند ولی در نهایت می‌گوید ممکن است ادعای تحقق ردع از این طریق شود لذا در ثبوت اجتهاد و علمیت به خبر ثقه تأمل دارند.

حال ما می‌خواهیم بررسی کنیم و ببینیم آیا واقعاً خبر ثقه به عنوان طریقی برای ثبوت علمیت و اجتهاد قابل قبول هست یا نه؟ بهر حال این تابع یک بحث مستقل اصولی پیرامون حجیت خبر ثقه در موضوعات است. چنانچه در اصول ملاحظه فرموده‌اید در اینکه احکام شرعی به خبر ثقه ثابت می‌شوند هیچ تردید و نزاعی نیست و به ندرت کسی یافت می‌شود که حجیت خبر ثقه را قبول نداشته باشد. در مسئله حجیت خبر واحد بحث در این است که آیا خبر واحد ثقه می‌تواند حجت بر احکام شرعی باشد یا نه؟ عمدتاً حجیت خبر واحد را قبول دارند یعنی اگر مثلاً زراة خبری را از امام معصوم نقل کرد مبنی بر وجوب نماز جمعه، این خبر حجت است و معنای حجیت خبر هم این است که وجوب نماز جمعه که یک حکم شرعی

۱. مستمسک العروة، ج ۱، ص ۳۸-۳۹.

است بواسطه این خبر ثابت می‌شود. بهر حال در اینکه احکام شرعیه بواسطه خبر ثقه ثابت می‌شوند تردیدی نیست. همچنین در مورد ثبوت بعضی از موضوعات که دلیل خاص بر حجیت خبر ثقه در آن قائم شده باشد نزاعی نیست.

لکن بحث و نزاع در این است که آیا خبر ثقه در مطلق موضوعات خارجیه حجیت دارد یا نه؟ آیا می‌توان در مورد مطلق موضوعات خارجیه به خبر شخص ثقه اعتماد کرد و ترتیب اثر داد؟ مشهور بین متأخرین عدم ثبوت موضوعات خارجیه به خبر ثقه است. اجتهاد و اعلمیت هم از موضوعات خارجیه هستند لذا معتقدند با خبر ثقه ثابت نمی‌شوند. البته بدیهی است موضوعات خارجیه‌ای که دارای اثر شرعی است محل بحث ماست و اگر یک موضوع خارجی دارای اثر شرعی نباشد، از دایره بحث ما خارج است. اجتهاد یک موضوع خارجی می‌باشد؛ اینکه مثلاً زید مجتهد است یا نه؟ اینکه مثلاً عمرو اعلم است یا نه؟ اینها یک موضوع خارجی می‌باشند. حجیت خبر ثقه در مورد اجتهاد و اعلمیت در واقع تابع پذیرش حجیت خبر ثقه در مطلق موضوعات است. ولی چنانچه ملاحظه فرمودید نوع محققین این طریق را مطرح نکرده‌اند مرحوم امام در مسئله نوزدهم از خبر ثقه به عنوان یک راه ثبوت اعلمیت و اجتهاد سخنی به میان نیاوردند. مرحوم سید هم در مسئله بیستم از خبر ثقه نامی به میان نیاوردند. این بدان جهت است که اینها اساساً حجیت خبر ثقه در مطلق موضوعات قبول ندارند و قائل به این هستند که موضوعات به خبر ثقه ثابت نمی‌شود اما ما باید بررسی کنیم که آیا خبر ثقه در مطلق موضوعات معتبر است یا نه؟ اگر این مطلب پذیرفته شد نتیجه این می‌شود که اجتهاد و اعلمیت با خبر ثقه قابل اثبات است.

حال ما نمی‌خواهیم وارد این بحث به گستردگی مطرح شده در علم اصول بشویم لکن اجمالاً ادله اعتبار حجیت خبر ثقه در موضوعات را بررسی می‌کنیم. این بحث مهمی است و آثار مهمی در فقه دارد.

ادله اعتبار خبر ثقه در موضوعات:

چند دلیل بر اعتبار و حجیت خبر ثقه در موضوعات قائم شده است:

دلیل اول: اولویت

منظور از اولویت این است که از حجیت خبر ثقه در احکام به طریق اولی حجیت خبر ثقه در موضوعات استفاده می‌شود؛ چنانچه گفتیم خبر ثقه قطعاً در احکام حجت است و احکام شرعیه به خبر ثقه ثابت می‌شوند. وقتی شارع در مورد احکام شرعیه با همه اهمیتی که دارند و آثار زیادی بر آنها مترتب می‌شود از جمله مسئله امتثال، عصیان، عقاب، ثواب و امثال آن به خبر ثقه اعتماد می‌کند به طریق اولی در اثبات یک موضوع خارجی دارای اثر شرعی که درجه اهمیت آن کمتر از اهمیت احکام شرعی می‌باشد، بر خبر ثقه اعتماد خواهد کرد. این اولویتی است که عقل آن را استفاده می‌کند.

این قلت:

ما نمی‌توانیم کلیت این اولویت را بپذیریم و بگوییم همه جا اهمیت احکام از موضوعات بیشتر است پس به طریق اولی همه جا موضوعات با خبر ثقه ثابت می‌شوند. چون در بعضی از موارد شارع ثبوت موضوعات را متوقف بر بینه یا بینتین کرده است در بعضی موارد ثبوت موضوعات را متوقف بر شهادت دو شاهد عادل کرده و در بعضی از موضوعات ثبوت موضوع را متوقف بر چهار شاهد عادل کرده است مانند زنا؛ وقتی ما ملاحظه می‌کنیم شارع در مورد بعضی از موضوعات خارجیه به

بینة یا بینتین اعتماد کرده در حالی که در هیچ حکم شرعی اینگونه عمل نکرده است، این نشان می‌دهد که بنای شارع بر این نیست که در موضوعات به خبر ثقة اعتماد کند. پس اولویتی را که مستدل ادعا کرده قابل قبول نیست.

قلت:

به نظر ما این اشکال وارد نیست و اولویت ادعا شده از سوی مستدل ثابت است لکن اولویتی که در اینجا ادعا می‌شود در واقع نسبت به موضوعاتی است که خود شارع طریق خاصی بر ثبوت آن بیان نکرده باشد؛ ما می‌گوییم اهمیت موضوعات فی الجملة کمتر از احکام است و اگر احکام شرعی با خبر ثقة ثابت شوند به طریق اولی موضوعات با خبر ثقة ثابت می‌شوند مگر در مواردی که شارع بنا به دلائلی لازم دیده احتیاط و سخت‌گیری بیشتری کند که در این موارد خبر ثقة قابل قبول نیست. آن مواردی را هم که شارع نسبت به موضوعات لازم دیده بینة یا بینتین قائم شود، بواسطه شدت حکمی است که بر آن موضوعات مترتب می‌شود مثل قتل، سنگسار و امثال آن، لذا شارع به خاطر شدت حکم در این قبیل موضوعات سخت‌گرفته و جز یک نفر را کافی نمی‌داند. لکن این موارد استثناء بوده و دلیل خاص دارد و به غیر از موارد استثناء که خود شارع تأکید به عدم کفایت خبر ثقة برای ثبوت آنها کرده، ما می‌توانیم این اولویت را در رابطه با موضوعات استفاده کنیم لذا به نظر ما استدلال تمام است.

دلیل دوم:

روایات زیادی که از ائمه معصومین(ع) وارد شده که متضمن بیان حکم شرعی نیست مثلاً در مورد شخصی اظهار نظر کرده‌اند یا مثلاً یک فعل و عملی از امام معصوم(ع) نقل شده که قصد افاده حکم شرعی در آن نبوده ولی در عین حال به آن روایات عمل شده و به عبارت دیگر کسی در حجیت خبر ثقة بین اخبار از احکام و اخبار از موضوعات تفصیل نداده است یعنی همانطور که روایات صادره از معصومین را بالنسبة الی الاحکام حجت می‌دانند و بر آن اثر مترتب می‌کنند، در مورد موضوعات هم همین گونه است. بعلاوه اصلاً سیره عملی بزرگان، علماء و اصحاب ائمه(ع) بر اخذ به این اخبار بوده لذا معلوم می‌شود خبر ثقة در موضوعات هم حجت است.

حال کسی نمی‌تواند در صغرای این دلیل اشکال کند و بگوید که نه چنین سیره‌ای بین علما نیست؛ نه واقع این است که همین الآن می‌توان دید روایاتی که سند صحیح و معتبری دارد، حتی اگر متضمن یک حکم شرعی هم نباشد، حجت نیست؟ قطعاً این حجت است.

بحث جلسه آینده: چند دلیل دیگر اینجا مطرح شده که إن شاء الله در جلسه آینده مطرح خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»